



آغار به کار سالن چاپ روزنامه
قدس در ساختمان قدیم
روزنامه/ اوایل دهه ۷۰



**هفته اول انتشار
روزنامه، هفته خیلی
سختی بود. فکر
می‌کنم در هفته
اول، من شاید هفت
هشت ساعت،
بیشتر خوابیدم. ما
همه کار می‌کردیم؛
حروف چینی،
صفحه‌آرایی،
تیترزدن، خواندن
تلکس و تصحیح.
همه این کارها
را همه ما انجام
می‌دادیم**

انجام می‌شد البته از مشورت و کمک فکری دوستان هم بهره می‌بردم. بنابراین حدود ۶ ماه طول کشید- از خرداد تا آذرماه ۶۶- که ما در مورد جذب و سازماندهی نیروی انسانی و امکانات فنی به یک جمع‌بندی رسیدیم.

● ولی هنوز هیچ روزنامه‌ای منتشر نشده بود؟

نه هنوز روزنامه منتشر نشده بود. در مورد منبع خبری نیز تنها منبع خبری تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی بود. خروجی تلکس کاغذی بود که بعد باید حروف چینی می‌شد. برای تحریریه و صفحات فرهنگی، ادبی، هنری، ورزشی و... افرادی را آوردیم.

● شما در این تقسیم صفحات و سرویس‌ها نگاهی به کارهای مشابه در تهران یا همین خراسان داشتید؟ یعنی تحلیل کردید رفتارها را؟

من در ماه‌های اول به تهران رفتم و با افرادی ملاقات کردم. مثلاً با آقای دقایق یک ملاقات مفصل داشتم در روزنامه اطلاعات و تجربیات ایشان را گرفتم. با آقای مهدی نصیری که آن موقع مدیر مسئول کیهان بود قرار گذاشتم و مفصل با ساختار کیهان آشنا شدم، با بعضی از چهره‌های کیهان مثل آقای سلیمی نمین که آن موقع کیهان هوایی بودند جلسه داشتم، با آقای یونس شکرخواه که فکر می‌کنم در آن زمان در سرویس گزارش کیهان فعالیت می‌کردند و صفحه داشتند با ایشان جلسه داشتیم. با بعضی از اساتید روزنامه‌نگاری مثلاً با مرحوم دکتر قندی، دکتر محسنیان‌راد، با مرحوم دکتر معتمدی دیدار کردم، در روزنامه جمهوری اسلامی با آقای مسیح مهاجری ملاقات کردم و تجربیاتشان را گرفتم همچنین با آقای دکتر کمال خرازی که در آن زمان مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی بود برای همکاری خبرگزاری دیدار کردم. پس از این آشنایی و کسب تجربه در مورد ساختار تحریریه و صفحات برنامه‌ریزی کردیم.

● یک هفته‌ای تهران بودید؟

بیشتر، خیلی بیشتر، شاید یک ماه هم طول کشید البته پشت سر هم نبود اما من تقریباً با همه روزنامه‌های آن زمان صحبت کردم.

● مکتوب می‌کردید این‌ها را؟

یادداشت می‌کردم و در نهایت در جلسات بررسی و جمع‌بندی می‌شد، بنابراین من سعی کردم همه تجربیات را بگیرم و در برنامه‌ریزی‌ها استفاده کنم.

● قرار بود قدس از همان اول روزنامه شود؟

بله از همان ابتدا هدف انتشار روزنامه بود و اصلاً موضوع هفته‌نامه مطرح نبود.

● چون صحبت بود که می‌گفتند یک مقطعی هفته‌نامه باشد.

نه، یکی دوتا پیش شماره به عنوان شماره صفر چاپ شد اما توزیع نشد. در مورد قطع روزنامه هم آن زمان بحث بود که مانعاً به همین قطع بزرگ رسیدیم.

● دفتر روزنامه همچنان در ساختمان پژوهش‌ها مستقر بود؟

بعد از شروع کار و بررسی‌ها، یکی دو ماهی بیشتر نگذشته بود، واقعاً دیدیم که این دفتر مناسب کار روزنامه نیست.

● حدوداً چند متر بود؟

۵۰، ۶۰ متر و یکی دو تا اتاق، برای روزنامه مناسب نبود.

در بررسی‌ها ساختمان آجری چهارراه خیام، نظرم را جلب کرد. در حالی که نمی‌دانستم متعلق به کیست. من احساس کردم این ساختمان از نظر وسعت و مکان مناسب است. پیگیری کردم و متوجه شدم متعلق به آستان قدس است. بالاخره با آقای طیبی هماهنگ کردیم و موافقت کردند که از این ۱۲ واحد ساختمان ۶ واحد را به روزنامه تحویل دهند.

● این تغییر ساختمان سال ۶۷ بود؟

نه همان سال ۶۶ بود. یعنی قبل از انتشار ما به اینجا آمديم. یعنی حتی یک شماره هم ما آنجا منتشر نکردیم. دوسه ماه بیشتر طول نکشید که به ساختمان چهارراه خیام نقل مکان کردیم.

در آن مقطع یکی از مشکلات نیروی انسانی بود. واقعاً در مشهد خبرنگاری که درس خوانده رشته خبرنگاری یا روزنامه‌نگاری باشد اصلاً نداشتیم یا خیلی کم داشتیم. واقعاً نبود. عده‌ای هم در روزنامه خراسان بودند که آن‌ها هم تعدادشان زیاد نبود و بیشتر تجربی بودند. ما دوره حل داشتیم. یکی اینکه از روزنامه‌های دیگر از تهران یا مشهد افرادی را جذب کنیم. یک راه حل دیگر هم این بود که افرادی را که احساس می‌کنیم استعداد دارند را جذب کنیم و آموزش بدهیم تا کار را یاد بگیرند. ما دومی را انتخاب کردیم.

● آزمون گرفتید؟

نه، مصاحبه می‌کردیم و انتخاب کردیم. برای سرویس‌ها هم از نیروهای شناخته شده دعوت به همکاری کردیم. آقای جواد اردکانی سرویس هنر و ادبیات، آقای مهندس یاراحمدی سرویس سیاسی، آقای جواد آرین منش سرویس اجتماعی، آقای روحانی‌نژاد سرویس معارف و پس از آن هم مدتی به عنوان مدیر تحریریه، آقای محمد مهدی جوشقانی سرویس خبر (که بعد از مدتی به عنوان معاون اجرایی منصوب شدند)، آقای قره سرویس ورزش و آقای قندی سرویس علمی همکاری کردند. آقای دکتر حسین صابری مدتی به عنوان مدیر تحریریه و همچنین آقای دکتر محمد مهدی زاهدی به عنوان سردبیر با ما همکاری داشتند.

● در این مدت به آقای طیبی گزارش می‌دادید؟

گزارش‌ها در حد نیاز ارائه می‌شد. اما اگر مشکلی داشتیم با ایشان مطرح می‌کردیم. ما جلساتمان را با هیئت مدیره و مشاوران انجام می‌دادیم و برنامه‌ریزی‌مان را می‌کردیم و یک ساختاری را در این ۶-۵ ماه ایجاد کردیم.